گفت‌وگو

جواد محرمی

گفت‌وگوی «جوان» با کمال‌الدین شاهرخ رئیس انجمن عکاسان بسیج هنرمندان

ارزش‌های زودگذر سیاستمداران مانع تحول‌خواهی فرهنگی شده است

با توسعه عکاسی حرفه‌ای می‌توانیم حافظه تاریخی مردم و مملکت را تقویت کنیم

عکس: خبرگزاری فارس

«جوان» در گفت‌وگو با کمال‌الدین شاهرخ رئیس انجمن عکاسان بسیج هنرمندان ابعاد مختلف هنر انقلاب اسلامی و چالش‌های آن را مورد بررسی قرار داده است.

فکر می‌کنید هنر در فراز و فرودهای ۴۰ ساله اخیر چه اندازه در ابعاد مختلف توانسته است ذات و جوهره حقیقی انقلاب اسلامی را در سطح جامعه بازتاب دهد؟

دوره انقلاب اسلامی دوره نشان دادن ظرفیت‌هاست که این ملت چقدر ظرفیت دارد، بنابراین بهترین آثار هنری هم مربوط به همین دوران می‌شود. هنر، زبان رسایی است که برای همه موضوعات و به خصوص موضوعات پیچیده مثل انقلاب برنامه دارد و می‌تواند ارتباط برقرار کند. به‌قول رهبر فرزانه انقلاب؛ سنت الهی در تاریخ اقتضا می‌کرد تفکر اسلامی و اندیشه پاک الهی در یک نوبت رو بیاید و آن آغاز شده است و همه هنرمندان در خدمت این تفکر مقدس قرار می‌گیرند. ما باید از هنر و ابزار هنر حداکثر استفاده را کنیم. هنرمندان باید زبان رسای هنر را در خدمت انقلاب و اسلام به‌کار گیرند، این نعمت را در راستای افکار مردم ترویج کنند و هنر را از آمیزش با مظاهر زیانبار فرهنگ بیگانه رها سازند و با حفظ تعالی آن را به میان مردم ببرند. نکته مهمی که در بیانات حضرت امام به‌صورت کلی می‌توان اشاره کرد این است که مانیفیستی که ایشان برای هنرمندان ارائه کرده‌اند دربرگیرنده دو نکته است و این دو نکته خیلی مهم است و اولین نکته اشاره به این دارد که هنرمند اشاعه فضائل و نیکی‌ها و دوم افشای پدیده‌ها را مدنظر قرار دهد چراکه وظیفه هنرمند اساساً افشاگری است، به معنای اینکه پرده و حجاب را از روی حقایق بردارد و ما اگر به کُنه مطالبی که حضرت امام در خصوص هنر بیان کرده‌اند پی ببریم قطعاً وظیفه هر هنرمندی در یک جامعه دینی و اسلامی به خوبی می‌تواند مشخص گردد و از این دوگانگی و بی‌برنامگی‌ها کاملاً پرهیز شود. یکی از عواملی که متأسفانه باعث می‌شود ما مسیر را خوب پیدا نکنیم و در این مسیر گام برنداریم توجه نکردن به نکات ارزشمندی است که در دوره‌های اخیر توسط حضرت امام و در زمان کنونی از سوی مقام معظم رهبری تبیین شده و نیز بی‌توجهی به تمام روایت‌های مهمی که از بزرگان به ما رسیده است متأسفانه مورد غفلت واقع شده و این باعث شده است ما خیلی در بحث هنر و ترویج و در یک جامعه موفق نباشیم. این را می‌توان به خوبی در بحث تهاجم فرهنگی که جامعه با آن دست به گریبان است مشاهده کرد.

فکر می‌کنید با هنر ناب و انقلابی چقدر فاصله داریم؟

فاصله زیاد است و باید سعی کنیم فاصله را کم کنیم. اما هنر دارای سه عنصر است: اول خود هنرمند است، دوم محتوا و پیامی که هنرمند آن را منتقل می‌کند و سوم فرم و شکلی است که هنرمند برای زیبا کردن پیامش از آن باید استفاده کند و نمونه‌های زیادی هم داریم که می‌تواند به عنوان شاخص‌های اصلی و کلان در ارزیابی و تعیین ایرانی- اسلامی بودن آثار هنری به شمار آید. هنرمند اصلی‌ترین علت وجود آن می‌باشد. هنرمند باید درونش ساخته شده باشد تا بتواند تأثیرگذار باشد. اگر هنرمند خودساخته نباشد و از درون تهی باشد قطعاً آثار هنری تأثیرگذار نخواهد بود. هنرمند هم در باب فرم و در قالب هنر خود و هم در قبال مضمون آن متعهد است که از حیثیت هنری به سطح پایین‌تر تنزل نکند. مهم‌ترین شاخص هنر انقلاب اسلامی باید مدافع ارزش‌هایی که در جریان انقلاب اسلامی شکل گرفته است، باشد و مطالبه‌گری ضامن این ارزش‌هاست؛ مطالبه‌ای که باید با ابزار و نگاه هنری باشد. هنر اسلامی هنری پیشرو و مطلوب‌نگر است و با حفظ اصالت گذشته در شرایط موجود حرکت می‌کند و فردا را می‌نگرد و آمیزه‌ای از آرمان طلبی و واقع گرایی است. هنرمند باید اهل درد باشد و این درد نه تنها سرچشمه زیبایی و صفای هنری، بلکه معیار انسانیت است. آدم بی‌درد، هنرمند نیست که هیچ، بلکه انسان هم نیست. اگر هنرمند نسبت به تاریخ و سرنوشت انسان و هویت فرهنگی خویش متعهد باشد دیگر در پیله حدیث نفس خفه نخواهد شد که متأسفانه حدیث نفس مانع از رشد می‌شود. هنرمند انقلابی بال‌های پروانگی‌اش رشد خواهد کرد و پیله مقتضیات زمان و مکان را خواهد درید. باید هنرمند فاصله‌اش را با واقعیات کم کند تا ان‌شاءالله بتواند تأثیر خود را در جامعه بگذارد.

به نظر شما چه راه‌های نرفته‌ای در عرصه هنر انقلابی پیش‌رو داریم؟

خیلی مسائل است که باید تبیین شود. متأسفانه در خصوص عملکرد این ۴۰ سال باید گفت با وجود حوادثی که در این انقلاب ۴۰ ساله رخ داده است با وجود همه فراز و نشیب‌هایی که پیش‌رو داشتیم نتوانستیم آنطور که باید هنرمند متعهد و انقلابی تربیت کنیم و حوادث زیادی را پشت سر گذاشتیم و البته همین حوادث باعث رشد و تربیت هنرمندان انقلابی شده که سعی کردند در خط انقلاب باشند. از فرصت‌هایی که از قِبَل این اتفاقات به وجود آمده است برخی توانستند استفاده کنند و در مسیر نسبتاً درستی از رشد و شکوفایی برای تعالی خودشان استفاده کردند. اما نمی‌توانیم آمار قابل قبول و مورد رضایتی در خصوص تربیت هنرمندان انقلابی بدهیم. اگر هم هنرمندان شاخص انقلاب داریم؛ اینها در مسیر انقلاب و در تکامل انقلاب رشد پیدا کردند و با وجود تمام فراز و فرودها توانستند از گرداب‌هایی که به وجود آمده است در جهت رشد خودشان استفاده کنند و البته با کثرت دستگاه‌های فرهنگی و وابسته به حکومت که سرمایه و اعتبار فراوانی دارند نیز مواجه هستیم و متأسفانه برنامه جامعی که تحول‌زا باشد در امور فرهنگی نداریم. ما نیاز به برنامه جامعی داریم که بتواند به موضوع هنر و رشد هنرمند کمک کند اما با کمال تأسف این اتفاق نیفتاده است. سیاستمداران ارزش‌های موقتی و گذرا دارند و به همین دلیل اولویت‌ها با جابه‌جایی مدیران و رویکردهای دستگاه فرهنگ به سرعت تغییر می‌کند. ما نتوانستیم موضوع فرهنگ و هنر را از شکل دولتی خودش خارج کنیم و این باعث شده است در این عرصه نتوانیم به خوبی عمل کنیم و اگر بخواهیم تعریفی از هنر انقلاب اسلامی داشته باشیم؛ هنری متعهد است که مقارن با انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته و متأثر از اندیشه‌های روشنفکرانِ مسلمان و رهنمودهای رهبر کبیر انقلاب خصوصاً با بروز جنگ تحمیلی با هنر دفاع مقدس درهم آمیخته‌است. دفاع مقدس عاملی شده است که بخشی از هنرمندان ما ذات و تفکرشان را در این مسیر تربیت کنند و باعث رشد آنان شده و همین طور در ادامه با رهنمودهای مقام معظم رهبری در شکل و شرایط فعلی به هنر مقاومت تبدیل شده است. برای مثال موزه هنر مقاومت تنها در چارچوب جغرافیایی ایران وجود ندارد بلکه در اغلب کشورهای مستقل و استقلال‌طلب که نمی‌خواهند زیر یوغ استکبار باشند قابل مشاهده است.

> متأسفانه برنامه جامعی که تحول‌زا باشد در امور فرهنگی نداریم. ما نیاز به برنامه جامعی داریم که بتواند به موضوع هنر و رشد هنرمند کمک کند اما با کمال تأسف این اتفاق نیفتاده است. سیاستمداران ارزش‌های موقتی و گذرا دارند و به همین دلیل اولویت‌ها با جابه‌جایی مدیران و رویکردهای دستگاه فرهنگ به‌سرعت تغییر می‌کند

چه رخدادهایی بر هنر انقلاب اسلامی تأثیرگذار بودند؟

نباید موضوع دفاع مقدس را که باعث رشد بسیاری از موارد شده است در دهه ۶۰ نادیده بگیریم. یکی از علت‌هایی که ما هنوز هم مسیر را گم کرده‌ایم این است که به داشته‌های دوران دفاع مقدس توجه نکرده‌ایم چون فرهنگ دفاع مقدس در همه زمینه‌ها می‌تواند سرمایه بسیار خوبی برای اهل هنر باشد که بتوانند از این دریای بیکران دُرهای گرانبها استخراج کنند و روی هر کدام از اینها محمل هنری و شکل هنری خودشان را به جامعه جوان ما که در آن دوران نبودند پیاده و عرضه کنند. می‌توانیم از دوران طلایی هنر انقلاب یعنی همان دهه ۶۰ یاد کنیم. امروزه متأسفانه در خصوص بحث دفاع مقدس و انقلاب خیلی از سازمان‌ها و نهادها به‌طور مناسبتی برخورد می‌کنند و به مناسبت‌های هفته جنگ، هفته بسیج، سالگرد آزادسازی خرمشهر و سالگرد هنر انقلاب درباره این موضوع صحبت‌هایی می‌کنند و مجدد به فراموشی سپرده می‌شود تا زمان تقویمی خودش. نمی‌دانند که هنر احتیاج به نگاه عمیق و مستمر فکری دارد و از دل شعار هنر انقلابی بیرون نمی‌آید.

به نظر شما هنر انقلابی چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد؟

این نکته قابل تأمل است که رهبر معظم انقلاب از هنرمندان می‌خواهند حقیقتی را که درک می‌کنند تبیین کنند. هنرمند انقلابی باید کوشش و مجاهدت کند تا در حوادث فتنه‌گون آنچه را که صحیح است بشناسد. بی‌بصیرت بودن دون یک انسان هنری و انسان فرهنگی است و به تعبیری هنرمندان باید مرد زمان و زمانه خویش باشند تا بتوانند این چند گام جلوتر بودن از مردم را به منصه ظهور برسانند، اما هنر انقلابی شاخصه‌هایی دارد. من هشت شاخص را نام می‌برم:

۱- دینی بودن توأم با قالب و محتوا

۲- عدم اکتفا به نمایش ظاهری اسلام

۳- تناسب پیام و نوع اثر هنری که بتواند زیبایی اثر هنری را به دنبال خود داشته باشد.

۴- نسبت با قرآن و آداب معنوی و آموزه‌های دینی داشته باشد.

۵- تعالی‌بخشی و تأثیرگذاری قدسی مردم و جامعه عمومی در جهت رشد و تعالی بخشی باشد.

۶- حرکت به جلو و مطلوب نگری در باب شناخت مباحث هنری روز داشته باشد.

۷- هدایتگری احساسات اجتماعی توسط هنرمند در خصوص هنر دینی خیلی می‌تواند مؤثر باشد. نمونه بارز آن تابلو استاد فرشچیان است.

۸- پایبندی به هویت ملی و اصالت خودمان که در غیر این امر مهم، امضای پای اثر هنری بی‌محتواست.

در باب هنر عکاسی فکر می‌کنید چه وضعیتی داریم؟

تاریخچه عکاسی به سه دوره برمی‌گردد؛ ورود، رشد و شکوفایی آن در دوره ناصری و دوره قبل از دوره پهلوی بوده و به فاصله خیلی کمی بعد از چند سال کمتر از ۱۰ سال در اروپا عکاسی اختراع و وارد ایران می‌شود و علاقه‌مندی سردمداران حکومتی باعث می‌گردد فن عکاسی ابتدا توسعه پیدا کند و به ثبت اتفاقات روزمره مردم منجر شود که ما تمام اطلاعات تصویری این دوران را مدیون ورود زودهنگام عکاسی به ایران هستیم. دور دوم؛ دوره پهلوی است که متأسفانه با رکود مواجه هستیم و هیچ اتفاق خاصی در این دوره نمی‌افتد و حرکت خیلی ضعیف‌تر از دوره ناصری است. اما دوره شکوفایی و حرکت و جهش در بدو انقلاب با اوج‌گیری اعتراضات مردم در جریان انقلاب و رخدادهایی که در انقلاب اتفاق افتاد هم کم نداشتیم و عکاسی رشد پیدا کرد و جوانان ما سمت و سو پیدا کردند به عکاسی و علاقه‌مند به اینکه بتوانند از این وسیله برای ثبت لحظه‌هایی که خیلی جذاب و به قول معروف غیرقابل تکرار بود اقدام کنند و با توسعه عکاسی در بخش آکادمیک و ورود دانشجویان رشته عکاسی به دانشگاه توجه بیشتری به این موضوع شد و تا به امروز ما می‌بینیم که عکاسی در هنرهای تجسمی نقش بسیار ارزشمند و درجه یکی را ایفا می‌کند و امروزه نه تنها در ایران بلکه در تمام دنیا مهم‌ترین ابزاری که در دست افراد برای ثبت لحظات یا ثبت جریان‌های اجتماعی در ژانرهای مختلف اتفاق می‌افتد توسط عکاسی است و این ابزار را تمام خانواده‌ها که نمونه قابل دسترس آن تلفن‌همراه است، استفاده می‌کنند. باید توجه کنیم تأثیری که بعضاً تصویر و عکس می‌تواند روی افراد و اجتماع بگذارد غیرقابل انکار است و در همه حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی به صورت کلی این تأثیرات را می‌بینیم. هنرمند عکاس باید متعلق به همان دوره باشد. ساخته و پرداخته و تربیت شده همان دوره باشد. هنرمند باید در فضای انقلاب و از زمین انقلاب رشد کند تا ما انتظاراتمان را از آن هنرمند داشته باشیم. مهم‌ترین اصلی که به نظر من امروزه در بخش عکاسی باید مد نظر قرار گیرد؛ تربیت و آموزش به نسل جوان است که ما کمتر به آن توجه می‌کنیم. البته در کنار آن هنرمندان متعهد پیشکسوت هستند که باید سعی کنند ارتباط بین این دو قشر ایجاد شود. این هنر خصوصاً در بحث ارتباطات و فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در حال حاضر کاربرد زیادی دارد. اگر هوشمند باشیم می‌توانیم از این فضا در تبیین هنر انقلابی و ارزشی استفاده خوبی کنیم. مهم این است که ما باید به جوانان اعتماد نماییم و به پتانسیل و ارزش آنها پی ببریم و سعی کنیم سکان مدیریت را با نظرات و مشورت به آنها بدهیم که جامعه را با نیروی جوان واکسینه کنیم. ما نیروهای هنرمند خلاق خودجوش، جوانان علاقه‌مند، متعهد و پایبند به مسائل دینی و انقلابی که از آنها به عنوان افسران جنگ نرم یاد شد کم نداریم. در استان‌ها این نیروها به وفور دیده می‌شود. فقط باید توجه، هدایت و برنامه‌ریزی کرد و آموزش‌های مدون و برنامه‌ریزی شده در جهت رشد و شکوفایی آنها و رقابت‌های سالم مخصوصاً در بخش عکاسی برای افراد به وجود آورد که جذب فضاهای غیر اخلاقی نشوند و بتوانند در جهت توسعه هنر عکاسی ریشه و اصالت خودشان را حفظ کنند.

> مهم‌ترین اصلی که به نظر من امروزه در بخش عکاسی باید مدنظر قرار گیرد تربیت و آموزش به نسل جوان است که ما کمتر به آن توجه می‌کنیم. البته در کنار آن هنرمندان متعهد پیشکسوت هستند که باید سعی کنند ارتباط بین این دو قشر ایجاد شود. این هنر خصوصاً در بحث ارتباطات و فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در حال حاضر کاربرد زیادی دارد

اهمیتی که تصاویر و حافظه تاریخی برای مردم ما دارد غیرقابل انکار است. مردم به حافظه تاریخی‌شان اهمیت می‌دهند و وقایع مهمی که در این مملکت در دهه‌های گذشته اتفاق افتاده است را از این طریق مرور می‌کنند و اگر ما نتوانیم افرادی را تربیت کنیم که حافظه تاریخی مملکت را تقویت کنند قطعاً در آینده باید پاسخ این سؤالات را بدهیم که چرا ما نتوانستیم هویت تاریخی خودمان را درست ثبت کنیم و ملتی که به نظر من هویت تاریخی خودش را نادیده بگیرد و ارزش‌های آن را فراموش کند قطعاً مورد ملامت قرار خواهد گرفت و سرمایه‌های انسانی و مالی که در کوران حوادث از دست داده است را نباید بی‌اهمیت دید. همه حماسه‌ها باید ثبت و به آیندگان منتقل شود چراکه این تصاویر سرمشق نسل‌های بعدی است تا جامعه فعلی و آینده از آن بهره‌مند شوند.

درنگ

نویسنده کاشمری کتاب سال ایثار و شهادت:

آرزویم این است که کتاب‌هایم را رهبر انقلاب بخوانند

نویسنده کتاب «علویه نرگس» (اثر برگزیده در جایزه کتاب سال ایثار و شهادت) می‌گوید: «از همان ابتدا که شروع به نوشتن می‌کنم، آرزویم این است که آقا کتابم را بخوانند و بر آن تقریظ بنویسند و من از طریق کتابم بتوانم به دیدار ایشان بروم.»

به گزارش «جوان» به نقل از ایبنا کتاب «در حسرت یک آغوش» به زعم نویسنده، مستحق توجه بیشتری است اما مواجه شدن با گرانی کاغذ، شهرستانی بودن سوژه و ناشناس بودن نویسنده چالش‌های پیش‌روی «در حسرت یک آغوش» بوده و است که البته با تلاش نشر ستاره‌ها تا حدودی مرتفع شده است.

«داخل اتاق شدم، همه از دیدن من متعجب شده بودند، چادر را کنار زدم و پسرم را بیرون آوردم. دیدن این صحنه لبخندی بر لبان همه نشاند، گرچه ساعتی قبل هم دیده بودنش، بچه را که جلو بردم سید نتوانست دستانش را بالا بیاورد و او را در آغوش بگیرد. دیدن این صحنه نگرانم کرد، چیزی نگفتم و خودم روح‌الله را روی سینه‌اش گذاشتم، اشک‌های محمد جاری بود و بقیه کسانی که داخل اتاق بودند هم مشابه او گریه می‌کردند.»

این جملات بخشی از کتاب «در حسرت یک آغوش» اثر برگزیده جایزه کتاب سال ایثار و شهادت در بخش مستندنگاری است. نویسنده این اثر، سعیده زراعتکار، بانویی است که از بین تیر و ترکش و از لابه‌لای تمام خشونت‌های ناشی از جنگ و تبعات پس از آن، عشق را بیرون کشیده و از زبان زنی مقاوم و صبور، روایتگر سال‌های پس از جنگ شده است. خانم دکتر زراعتکار، اهل کاشمر است؛ شهری کوچک و مذهبی که بیش از هزار شهید تقدیم انقلاب و اسلام کرده است، حقوق خوانده و حالا هم در دانشگاه تدریس می‌کند. همین حقوق‌خوانی و حقوقدانی او را به دفاع مقدس گره زده است. هرچند به خاطر جانبازی پدرش و شهادت عمویش با این اتمسفر غریبه نبوده، اما قبول وکالت پرونده‌های ایثارگری و مسئولیت دفتر حمایت قضایی ایثارگران، این ارتباط را عمیق‌تر کرده است.

برایم از داستانِ نوشتن کتاب «در حسرت یک آغوش» می‌گوید؛ کتابی که در حال حاضر انتظار چاپ سوم را می‌کشد و به‌عنوان کتاب سال ایثار و شهادت هم برگزیده شده است: «از مشهد تا کاخ صدام را که نوشتم پس از آن دنبال یک سوژه برای نوشتن بودم، تنها جانباز قطع نخاعی گردن کاشمر که اتفاقاً در گذشته پسرش دانشجوی من بود، سوژه کتاب جدیدم شد اما تا آمدم مقدمات ملاقات و مصاحبه‌ها را بچینم، سیدمحمد موسوی به شهادت رسید.»

ولی عزم خانم زراعتکار جزم بود، چهلم شهید نرسیده با پسرش تماس می‌گیرد و قصدش را بیان می‌کند، پس از آن هم کتاب را شروع می‌کند: «در طول مدتی که کتاب را می‌نوشتم ضبط صحبت‌هایم با همسر شهید، خیلی به کارم نمی‌آمد چون پس از چند دقیقه، تُن صدای ایشان به صورت محسوسی کاهش پیدا می‌کرد و من دست به دامن نوشتن می‌شدم، گاهی می‌شد که ۱۰ تا ۱۵ صفحه یادداشت از یک جلسه دوساعته برمی‌داشتم و پس از آن جلسه، تازه کار من شروع می‌شد و باید برای نوشتن کتاب، آنها را در کنار هم مثل تکه‌های یک پازل به درستی چینش می‌کردم.»

از او درباره عامل موفقیت کتابش که می‌پرسم، اخلاص شهید و خانواده‌اش را عامل این مهم می‌دانست؛ خلوصی برخاسته از ایمان که ۳۴ سال در خانه ماندن و خوابیدن بدون هیچ تحرکی را میسر کرده بود.

او در کتابش روایتگر احوال خانواده‌ای است که زندگی متفاوتی را تجربه کرده‌اند، پسری که مقارن با مجروحیت پدرش به دنیا می‌آید و در حسرت آغوش او باقی می‌ماند، مادری که به خاطر جراحات همسرش تا ۱۱ ماهگی فرزند تازه متولد شده‌اش، بیمارستان، خانه اولش می‌شود و دختری که در نبود پدر و مادرش و حضور آنها در بیمارستان به روستا فرستاده می‌شود تا پیش پدربزرگ و مادربزرگش زندگی کند و پس از آن یک سالِ سخت برای هر چهار عضو خانواده، ۳۳ سال با عوارض ناشی از جنگ دست و پنجه نرم می‌کنند تا آنکه پدر به فیض شهادت نائل می‌آید.

این کتاب به زعم نویسنده، مستحق توجه بیشتری است اما مواجه شدن با گرانی کاغذ، شهرستانی بودن سوژه و ناشناس بودن نویسنده چالش‌های پیش‌روی «در حسرت یک آغوش» بوده و هست که البته با تلاش نشر ستاره‌ها تا حدودی مرتفع شده است.

با وجود همه این مشکلات و موانع، خانم زراعتکار مصمم به ادامه راهی است که با هدف زنده نگه داشتن نام و یاد شهدا و عمل به سخنان رهبری آغاز کرده است. او می‌خواهد روایتگر نسلی باشد که جنگ را ندیده و نمی‌شناسد تا برای آنها تصویری درست از حماسه سال‌های نه چندان دور این کشور ترسیم کند و به خاطر همین اهداف، قلمش را زمین نمی‌گذارد.

نویسنده کتاب «در حسرت یک آغوش» در ادامه می‌گوید چهار کتاب بعدی‌اش در راه هستند و در حال حاضر، نوشتن کتاب دیگری را به اتمام رسانده که البته کار آسانی هم نبوده است چون حضور فرزند کوچکش با همه شیرینی‌ها، او را برای نوشتن، از قبل محدودتر کرده و سعی می‌کند تا می‌تواند کارهایش را در دفتر کار حقوقی‌اش بنویسد.

از حال و احوال سایر آثارش که جویا می‌شوم، یکی از کتاب‌هایش توجه مرا به خود جلب می‌کند؛ کتابی درباره بانویی حدوداً صد ساله و مادر سه شهید که «بانوی قرن» نام دارد و خانم زراعتکار برای نوشتن و آماده کردن این کتاب مجبور به تحمل سختی رفت‌وآمد بین کاشمر و مشهد شده است.

از او درباره این چالش‌ها دقیق‌تر سؤال می‌کنم، می‌خواهم بدانم در کنار همه اهداف مقدسی که دارد نقطه مطلوب و آرمان شخصی‌اش چه بوده که اینگونه بدون وقفه تلاش می‌کند؟ جوابی که به من می‌دهد برخاسته از یک حسرت است؛ درست مثل عنوان کتابش او در حسرت دیدار است. ایشان در این باره می‌گوید: «در حسرت یک دیدار هستم، دلم می‌خواهد کتاب‌هایم به دست مقام معظم رهبری برسد، وقتی شروع به نوشتن می‌کنم آرزویم این است که آقا کتابم را بخوانند و بر آن تقریظ بنویسند و من از طریق کتابم بتوانم به دیدار ایشان بروم.»

خواسته خانم زراعتکار برای دیدار با رهبری، قوت قلمش شده است و برای رسیدن به آن تمام تلاشش را می‌کند به این امید که به آرزویش برسد.